مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی هرمزگان

سلسله گزارش‌های تخصصی: بازارشناسی

شماره‌ی هشتم: جان مینارد کینز و انقلاب در اندیشه‌ی اقتصادی



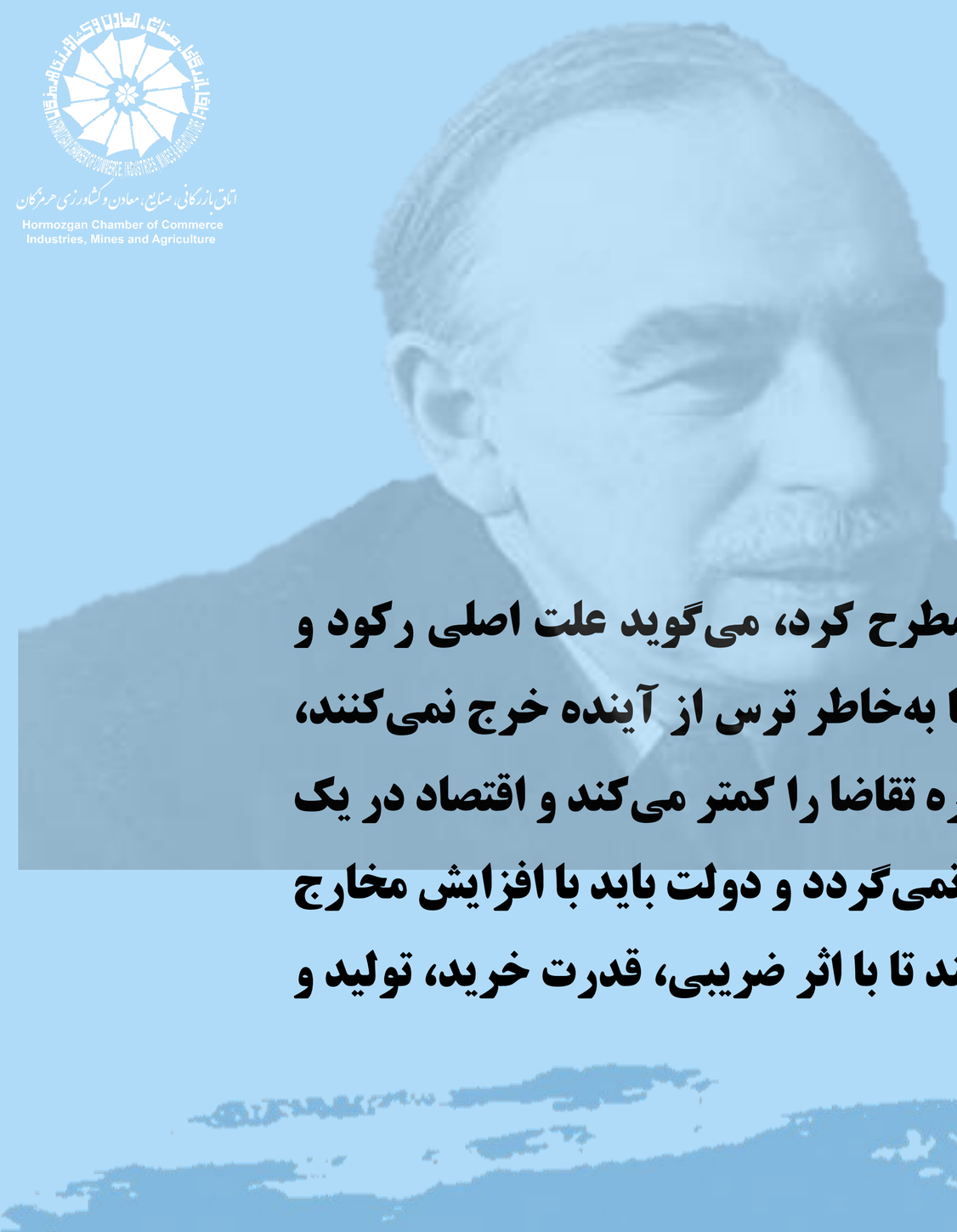


رویکرد اقتصادی برای فعالان اقتصادی و مدیران کسب‌وکارها

واحد پژوهش و آمار اتاق بازرگانی

نظریه‌ی کینزی

واحد پژوهش اتاق بازرگانی



تعریف

نظریه‌ی کینزی که جان مینارد کینز بعد از رکود بزرگ دهه‌ی ۱۹۳۰ مطرح کرد، می‌گوید علت اصلی رکود و بیکاری کمبود تقاضای کل در اقتصاد است، یعنی وقتی مردم و شرکت‌ها به‌خاطر ترس از آینده خرج نمی‌کنند، فروش کم می‌شود، کارخانه‌ها تعدیل نیرو می‌کنند و همین بیکاری دوباره تقاضا را کمتر می‌کند و اقتصاد در یک چرخه‌ی معیوب گیر می‌افتد، پس بازار همیشه به‌خودی‌خود به تعادل برنمی‌گردد و دولت باید با افزایش مخارج عمرانی، کاهش مالیات و سیاست پولی انبساطی پول به اقتصاد تزریق کند تا با اثر ضریبی، قدرت خرید، تولید و اشتغال دوباره بالا برود.

اصل تقاضای مؤثر

اصل تقاضای مؤثر قلب نظریه‌ی کینز است و می‌گوید این میزان خرید واقعی مردم است که سطح تولید و اشتغال را مشخص می‌کند، نه ظرفیت تولید کارخانه‌ها.

در شرایط ترس و نااطمینانی، خانوارها و شرکت‌ها با وجود داشتن درآمد، خرج نمی‌کنند و پول نگه می‌دارند و همین کاهش مخارج باعث فروش نرفتن کالاها، انباشت انبار، کاهش تولید و اخراج کارگران می‌شود که خود دوباره درآمد و تقاضا را کمتر می‌کند.

مثلاً اگر خودروسازی هزار خودرو بسازد ولی فقط ششصد دستگاه فروش برود، دوره‌ی بعد تولید را کم و نیرو را تعدیل می‌کند.

این افت اشتغال دوباره درآمد و تقاضا را کمتر می‌کند و اقتصاد در چرخه‌ی رکود گرفتار می‌شود.



اثر ضریب فزاینده

ضریب فزاینده یعنی خرج اولیه‌ی دولت همان‌جا متوقف نمی‌شود، بلکه با دست‌به‌دست شدن بین افراد چند برابر تقاضا و درآمد می‌سازد.
مثلاً دولت ۱ میلیارد به پیمانکار می‌دهد، او به کارگر حقوق می‌دهد و کارگر آن را در سوپرمارکت خرج می‌کند.
سوپرمارکت‌دار هم با آن پول خرید دیگری انجام می‌دهد و این چرخه همین‌طور ادامه پیدا می‌کند.
قدرت این اثر به میل نهایی به مصرف بستگی دارد؛ هرچه مردم بیشتر خرج کنند، ضریب بزرگ‌تر می‌شود.
به همین دلیل کینز می‌گفت مخارج دولت در رکود، جرقه‌ای است که موتور خاموش اقتصاد را دوباره روشن می‌کند.

تفاوت کلاسیک ها با کینزی ها

1. کلاسیک‌ها پس‌انداز را مقدمه‌ی سرمایه‌گذاری و رشد می‌دانستند، در حالی که کینزی‌ها افزایش پس‌انداز در شرایط رکود را موجب تشدید افت تقاضا و تعمیق بیکاری می‌دانند.

2. کلاسیک‌ها معتقد بودند عرضه تقاضای خود را خلق می‌کند و اقتصاد خودبه‌خود به اشتغال کامل می‌رسد، در حالی که کینزی‌ها تقاضای مؤثر را تعیین‌کننده‌ی سطح تولید و اشتغال می‌دانند و علت رکود را کمبود تقاضا می‌دانند.

3. کلاسیک‌ها بر انعطاف‌پذیری دستمزدها و قیمت‌ها و عدم دخالت دولت تأکید داشتند، اما کینزی‌ها به‌دلیل چسبندگی دستمزدها و قیمت‌ها، دخالت فعال دولت از طریق سیاست مالی و پولی را برای خروج از رکود ضروری می‌دانند.

سایر مفاهیمی که نظریه‌ی کینزی مطرح می‌کند:

- **میل نهایی به مصرف : بخشی از افزایش درآمد که خرج می‌شود، تعیین‌کننده‌ی قدرت ضریب فزاینده است؛ هرچه این میل بیشتر باشد، اثر مخارج دولت بر تولید بزرگ‌تر خواهد بود.**
- **پارادوکس خساست : اگر همه در زمان رکود بیشتر پس‌انداز کنند، تقاضای کل کاهش می‌یابد و در نهایت درآمد و پس‌انداز همگانی کمتر می‌شود.**
- **بیکاری غیرارادی و چسبندگی دستمزدها : برخلاف دیدگاه کلاسیک، بیکاری می‌تواند پایدار باشد، زیرا دستمزدها و قیمت‌ها به‌سرعت کاهش نمی‌یابند تا بازار به تعادل برسد.**

otaghphbnd@gmail.com

۰۷۶۳۱۹۹۰۰۳۵_۳۷

https://bndccim.com

گردآوری: زهرا رفیعی، واحد پژوهش